



50 توصیه از پیامبر اعظم به کارگزاران و مدیران (عهد نامه نبوی)

در کتاب « دعائم الاسلام، اثر نعمان بن محمد تمیمی (363-259ق) »، (ج 1، ص 351 تا 368) عهدنامه مفصلی از پیامبر اعظم حضرت محمد (ص) نقل شده که حاوی نکات بسیاری در شیوه حکمرانی و نکات مدیریتی است. آن چه می خوانید، اقتباس و تلخیصی از این عهد نامه و منشور نورانی، خطاب به کارگزاران و مدیران است...

- 1- بنگر که کجا و چگونه بودی و امروز در کجایی؛ نصیحت را از خودت آغاز کن و در کار خاصان و شناخت آن چه به سود و زیان توست، نیکو بنگر.
- 2- چنان مباش که پنداری کرامتی را که خدا در حق تو کرده، و اجبات را از دوش تو برداشته و تو شایسته آنی که مسئولیت سنگین را از تو بردارد؛ از این رو، در پی شهوات و خواسته های بروی.
- 3- جایگاه خود را بشناس؛ سرانجام خود را در نظر آر و آن را بسیار یاد کن و بسیار ببندیش که چه می کنی و چه کسانی با تو مشارکت دارند.
- 4- بین پدران، حکمرانان و شاهزادگان دیگر کجایی که دنیا خوار بودند؟ تو اکنون میراث خوار آنان و اداره کننده حکومت آنان هستی؛ چه شد که گنج ها که اندوختند و آن بدن های ناز پرورده و آن امیر زادگان مرفه اکنون کجایی؟
- 5- از بدی های گذشتگان عیب می گرفتی و کارشان را زشت می شمردی؛ امروز از خودت عیب جویی کن و بر حذر باش که به همان سرنوشت دچار نشوی.
- 6- تو درباره پیشینیان و کارشان داوری می کردی؛ آیندگان درباره تو و کارهایت به قضاوت خواهند نشست و نسبت به تو همان را خواهند گفت که تو در باره دیگران می گفتی.
- 7- ثروت اندوزی از حرام را نیرو مینداز و بذل و بخشش ناحق را سخاوت ندان. «قدرت» در خویشتن داری است و «جود»، در پرداخت آن چه وظیفه توست.
- 8- دلت را خانه مهرورزی به مردم قرار بده؛ نسبت به مردم درنده ای مباش که لغزش هایشان را فرصت غنیمت شماری؛ زیرا آنان یا هم کیش تو یا هم نوع تو هستند و به عفو و گذشت تو محتاجند.
- 9- در کيفر، شتاب مکن؛ مگو که امیرم و هر چه خواستم، می کنم و هرگاه قدرت و حکومت، تو را به غرور و عجب کشاند، به یاد خدا باش که برتر از توست و به یاد مرگ باش که سرمستی و شادمانی بی جای تو را درهم می شکند.
- 10- میان خود و نزدیکان با مردم منصفانه رفتار کن که اگر انصاف نکنی، در حق آنان ستم کرده ای و هر که به بندگان خدا ستم کند، طرف حسابش خداست.
- 11- شیوه ظالمانه، به زوال نعمت می انجامد و اصرار بر ظلم، انتقام الهی را در پی دارد؛ زیرا خداوند، دادخواه مظلومان و دشمن ظالمان است.
- 12- به کار بیشتری بپرداز که در راستای حق و رضای خالق و توده مردم باشد؛ نه آن چه که با رضایت خواص، رنجش عموم مردم را در پی دارد.
- 13- توده مردم، سامان بخش امور زمامداران و بازوی حاکم و مایه خشم بر دشمنانند؛ پس تا وقتی مطیع فرمانند، دلت با آنان و میل و همراه ایشان باشد.
- 14- آنان که بیشتر در پی کشف عیوب مردمند، در نظرت نکوئیده تر، باشند؛ زیرا در مردم عیب هایی است که والی سزاوارتر است تا آنها را ببوشاند.
- 15- آن چه بر خود نمی پسندی، بر مردم هم مپسند و تا می توانی رازها و عیوبشان را ببوشان تا خدا هم عیوب تو را ببوشاند.
- 16- در پذیرش سخن سخن چینان، شتاب مکن که سخن چین راست نمی گوید.
- 17- بخیلان، حریصان و ترسویمان در مشورت های خویش وارد مکن؛ زیرا بخل و حرص و ترس، هر سه، ریشه در بدبینی به خدا دارد.
- 18- بدترین وزیران و همکاران، آناند که همکار امیران پیشین و همدست جرایم آنان بوده اند؛ آنان را در حکومت خود راه مده و در کارهایت وارد مکن.
- 19- کسانی را یاران و همکاران خاص خویش برگزین که همکاران ظالم و یاور گنه کار نبوده اند؛ آنان را مخصوص همنشینی و دوستی در نهان و آشکار قرار بده و کسانی را گرامی تر مدار که نسبت به حق، گویا تر و نسبت به مردم، با انصاف تر باشند.
- 20- با کسانی بیشتر همدم باش که اهل تقوا، راستی، خرد و شرافت باشند و از کسانی بیشتر فاصله بگیر که اهل تملق، چاپلوسی و ستایش گری اند؛ زیرا مدح بسیار، غرور و غفلت می آورد.
- 21- نیکوکار و بذکار را به یک چشم نگاه مکن؛ زیرا اگر چنین کنی، نیکوکار، در کارش بی انگیزه می شود و خلافاً، در کار خلافت گستاخ می گردد.
- 22- سنت های خوب گذشته را بر هم مزن و سنت های مضر به روش ها و سنن خوب گذشته را پایه گذاری مکن.
- 23- در برپایی عدل و حق، با عالمان و حکیمان بسیار مشورت کن که این شیوه، احیا گر عدل و زاینده باطل است.
- 24- کسانی را به فرماندهی لشکریان بگمار که بردبارتر، داناتر، با سیاست تر و خوش اخلاق تر باشد و نیز دیر به خشم آیند؛ زود عذر پذیرند و به ضعیف، رأفت داشته باشند.
- 25- با کسانی بیشتر بیوند که دین شناس، دیندار، خوش سابقه و شجاع باشند.
- 26- به سبب توجه به کارهای بزرگ، امور کوچک نظامیان را نادیده بگیر که هر کدام از کارهای بزرگ و کوچک، جای خاص خود را دارند.
- 27- زندگی لشکریان و سپاهیان و خانواده آنان را تأمین کن تا در جنگ با دشمن، یک دل باشند و فکرشان نگران خانه و خانواده خود نباشد.

28- امنیت عمومی در شهرها و همدلی و همبستگی لشکریان، بهترین نور چشمی زمامداران است.

29- به فرماندهان شجاع و رزمندگان لایق، توجه خاص داشته باش و از حال یکایک آنان جويا شو و از آنان ستایش کن تا هم شجاعان، شجاع تر شوند و هم دیگران تشویق گردند و در عین حال، مأمورانی امین و صادق را بر آنان بگمار تا عملکرد آنان را در جبهه های نبرد، به طور دقیق، به تو گزارش دهند.

30 - موقعیت بزرگان، سبب نشود که تلاش اندک آنان را بزرگ شماری و وضعیت افراد عادی، موجب نگردد که تلاش عظیم آنان را ناچیز شماری.

31- کسانی را به قضاوت بگمار که با فضیلت ترین، داناترین، بردبارترین و پرهیزکارترین افراد باشند؛ تا کارها، آنان را به تنگ نیاورد؛ مغلوب اطراف دعوا نشوند؛ طمع نداشته باشند؛ دچار عجب و خودپسندی نشوند؛ تعریف و تمجید، آنان را نفرید و در پی گیری مسائل، کم حوصله نباشند.

32- به وضع و زندگی قضات، به خوبی رسیدگی و زندگی شان را تأمین کن تا طمع و نیاز به مردم نداشته باشند و در دام رشوه نیفتند.

33- به حکم فاضیان و رای آنان رسیدگی کن تا اختلاف در حکمشان نباشد. که اگر چنین شود، عدالت تباه می شود؛ دین نقصان می یابد و تفرقه پدید می آید.

34- کارگزاران را بر اساس شناخت و آزمون به کار گمار؛ نه بی تحقق و بررسی؛ زیرا به کار گماشتن نالایقان و نا آزمودگان، سبب جور و خیانت و موجب زیان بر مردم می گردد.

35- کسانی را به کار گمار که پرهیزگار، دین شناس، دانا، سیاست مدار، با تجربه، خردمند و با حیا باشند و از خانواده های شریف و دیندار که پاک ترند و خویشتن دارتر و کم طمع تر و آینده نگر تر.

36- زندگی کارکنان را تأمین کن و نیازشان را برآور؛ تا هم خود را بهتر اصلاح کنند و هم به اموال دیگران دست درازی نکنند و هم اگر خطا کردند و نافرمان شدند، حتی برآنان داشته باشی.

37- هرگز اهل تکبر و نخوت و غرور و افراد جاه طلب و ستایش دوست را برای مسئولیت انتخاب نکن.

38- اگر یکی از کارگزاران دست به خیانت زد یا فساد مرتکب شد و گزارش مأموران و حرف های مردم هم آن را تأیید کرد، او را تنبیه کن و آن چه را گرفته، از او بگیر و در میان مردم، او را رسوا کن تا مایه عبرت دیگران شود.

39- بیش از دریافت مالیات و خراج، به عمران و آبادانی بیندیش؛ مالیات هم وقتی می توانی بگیری که زمین را آباد سازی. هرکس بدون عمران و آبادانی بخواهد مالیات بگیرد، شهرها را ویران و مردم را هلاک خواهد ساخت.

40- آباد سازی شهرها، بهتر از پر کردن خزانه است؛ آن چه هم خزانه را پر می سازد، آبادانی شهرهاست. اگر آبادای ها ویران شود، خزانه هم تهی می ماند.

41- اگر دوست داری سر انجام نیکی و بدی را بدانی، به کار نیکان و بدان گذشته بنگر.

42 - به ثروت اندوزی نیندیش؛ به ذخیره سازی خیرات و خوبی ها همت بگمار.

43- در امور دیوانی و دبیری، کسی را نگارش نامه های محرمانه و اسناد سری گمار که ادبش بیشتر، یاری اش برای تو بهتر، فکرش پخته تر و از همه مطمئن تر و راز دار تر باشد و ظرفیت احترام و لطف تو را داشته باشد؛ اسرار تو را آشکار نسازد و جایگاه خود را بشناسد.

44- در گزینش منشیان و دفتر داران، به خوش گمانی خویش تکیه نکن؛ بلکه به سوابق کار و تجار پیشین آنان بنگر.

45- برای هر مجموعه از کارکنان، رئیسی انتخاب کن که امانت دار و اندیشمند باشد؛ از کارهای بزرگ به زانو در نیاید و کارهای کوچک را وا نگذارد و پیوسته بر کار آنان مراقبت و نظارت داشته باشد و از رفتارشان با مردم خبر بگیر.

46- صنعت گران و پیشه وران، سرچشمه سود رسانی به مردمند؛ آنان را به نیکی توصیه کن و حرمتشان را نگه دار و از حالشان جويا باش و مراقبت کن تا احتکار و سود جویی و حرص آنان، مایه افزایش نرخ ها و فشار بر مردم و انتقاد بر حکومت نگردد.

47- از حال بینوایان و محرومان، بی خبر مباش؛ سهمی از بیت المال را برای آنان اختصاص بده و به همه یکسان و بی تبعیض برسان. پرداختن به کارهای مملکت، تو را از نیازمندان غافل نسازد و در حکومت، ضعیفان که دستشان از تو کوتاه و نیازشان از چشم مأموران پنهان است، تباه نشوند که هیچ عذری نداری. مطمئن ترین نفرات را برای رسیدگی به امورشان برگزین؛ کسانی که نه به دیده تحقیر، به فقیر بنگرند و نه شخصیت بزرگان، چشمشان را پر کند.

48- به زمین گیران، گرفتاران، یتیمان و پرده نشینان فقیر که نه اهل درخواستند و نه روی عرض حاجت دارند، رسیدگی کن و به خاطر خدا، سهمی از بیت المال برایشان مقرر گردان.

49- بخشی از وقت خود را برای دیدار حضوری و رفع نیاز نیازمندان و شنیدن حرف ها و شکایت ها اختصاص بده تا آنان بی ترس و مزاحمت، خواسته هایشان را بگویند.

50- برای رسیدگی به کارها، تقسیم وقت کن و همه تلاش خود را به کار گیر و کار هر روز را همان روز انجام بده و بهترین وقت هایت را برای رابطه خودت و پروردگارت اختصاص بده و چیزی را برای ادای واجبات، مقدم مشمار و بین خود و مراجعان، حجاب طولانی قرار مده که بدگمانی می آفریند و کارها را بر تو آشفته می سازد.